

نخستین کسی که اسلام آورد

آئین توحید، از موضوعاتی است که قرآن مجید روی آن تکیه کرده و صریحاً اعلام کرده است که کسانی که در گرایش به اسلام پیشگام بودند، در کسب رضی حق، و نبل به رحمت وی، نیز پیشقدم هستند (۲)

قسمت دوم از زندگانی علی (ع) را بخش «پس از بعثت و قبل از هجرت» تشکیل می‌دهد، مقدار این فراز از زندگانی امام، از سیزده سال تجاوز نمی‌کند و علی (ع) در تمام این مدت در حضر پیامبر بود، و تکالیفی را برعهده داشت.

توجه خاص قرآن به موضوع «سبقت در اسلام» به حدی است که حتی کسانی را که پیش از فتح مکه ایمان آورده و جان و مال خود را در راه خدا، بذل نموده‌اند، بر افرادی که پس از پیروزی بر مکیان، ایمان آورده و جهاد کرده‌اند برتری داده است (۳) تاچه رسد به مسلمانان صدر اسلام و پیش از مهاجرت به مدینه.

نقاط جالب و حساس این فراز، یک رشته افتخاراتی است که نصیب امام گردید، افتخاراتی که در طول تاریخ؛ نصیب کسی جز علی (ع) نشد، و احدی بر آن دست نیافت.

توضیح اینک: فتح مکه در سال هشتم هجرت انجام گرفت، و پیاپی هر هیجده سال پس از

نخستین افتخاری در این بخش از زندگی، پیشگام بودن وی در پذیرفتن اسلام، و یا به عبارت صحیحتر: ابراز و اظهار اسلام دیرینه خویش بود (۱)

پیشقدم بودن در پذیرفتن اسلام، و گرایش به

(۱) توضیح این قسمت را در پایان مقاله می‌خوانید.

(۲) آنجا که می‌فرماید: *والمباقون السابقون اولئك المنزبون* (سوره واقعه آیه ۱۰ - ۱۱)

(۳) *لا یستوی منکم من انفق من قبل الفتح و قاتل اولئک اعظم درجه من الذین نفقوا من بعد و قاتلوا*.

(سوره حدید آیه ۱۰)

در آورد و آثار زجر و سوختگی پشت خود را به خلیفه نشان داد و گفت بارها زره آهنی بر تنم می کردند و ساعتها زیر آفتاب سوزان مکه ، نگاه می داشتند ، و گاهی آتشی برمی افروختند و مرا به روی آتش می افکندند و می کشیدند ، تا آتش خاموش گردد (۱) به طور مسلم فضیلت بزرگ و برتری معنوی با افرادی است که به خاطر اسلام ؛ همه نوع زجرها و شکنجه ها را به جان خریدند ، و آنرا از مصیبت دل می پذیرفتند .

کسی پیشگام تراز علی نبود

بسیاری از محدثان و تاریخ نویسان نقل میکنند که : پیامبر روز دوشنبه مبعوث به رسالت شد و علی (ع) فردای آن روز (سه شنبه) ایمان آورد (۲) پیش از همه خود پیامبر اکرم ، به پیشقدم بودن علی تصریح کرده و در مجمع عمومی صحابه چنین فرمود : نخستین کسی که در روز ستاخیز با من در حوض (کوثر) ملاقات می کند ، پیشقدمترین شما در اسلام ، علی بن ابی طالب است (۳)

احادیث و روایات از پیامبر اکرم و امیر مؤمنان و پیشوایان بزرگ ما ، و محدثان و مورخان ، در سبقت امام بر دیگران به اندازه ای زیاد است که صفحات مقاله ما گنجایش یک دهم آنها را ندارد (۴)

بعثت دژ محکم بت پرستان را گشود علت برتری ایمان مسلمانان پیش از فتح مکه ، این است که آنان در موقعی ایمان آورده اند که اسلام در شبه جزیره به اوج عظمت نرسیده بود ، و هنوز پایگاه بت پرستان به صورت يك دژ شکست ناپذیری باقی بود ، و جان و مال مسلمانان را خطرهای احتمالی تهدید میکرد اگر چه مسلمانان براه مهاجرت پیامبر از مکه ، و گرایش اوس و خزرج و قبایل مجاور مدینه به اسلام ، از يك عظمت نسبی برخوردار بودند و در بسیاری از برخوردهای نظامی غالب و پیروز می شدند ، ولی - مع الوصف - خطر به کلی مرتفع نشده بود .

جائی که گرایش به اسلام و بذل جان و مال در این موقعیتها ، از ارزش خاصی برخوردار باشد ، قطعاً ابراز ایمان و تظاهر به اسلام در آغاز کار که قدرتی جز قدرت قریش ، و نیروئی جز نیروی دشمن نبود ، باید ارزش بالاتر و بیشتری داشته باشد . از این نظر سبقت به اسلام در مکه در قرآن و میان یاران پیامبر ، از افتخاراتی محسوب می شد ، که هیچ فضیلتی با آن برابری نمی کرد .

«عمر» در دوران خلافت خود از «خجابه» ششمین مسلمان زجر کشیده صدر اسلام ، پرسید رفتار مشرکان مکه با تو چگونه بود؟ وی پیراهن خود را

(۱) اسد الغابة ج ۲ ص ۹۹

(۲) بعثت النبى يوم الاثنين واسلم على يوم الثلاثاء ، به مستدرک حاکم ج ۲ ص ۱۱۲ والاستيعاب ج ۳

ص ۳۲ مراجعه فرمائید

(۳) اولکم واردأ علی الحوض ، اولکم اسلاماً علی بن ابی طالب ، مستدرک حاکم ج ۳ ص ۱۳۶

(۴) مرحوم علامه امینی متون احادیث و کلمات بسیاری از محدثان و مورخان اسلامی را پیرامون پیشقدم بودن علی (ع) در ایمان به پیامبر در جلد سوم الفدیتر صفحات ۱۹۱ - ۲۱۳ چاپ نجف ، آورده است علاقمندان

می توانند به آنجا مراجعه فرمایند.

از این نظر تنها به سخنان خود امام و نقل يك فراز تاریخی اکتفاء می‌ورزیم .

امیر مؤمنان می‌فرماید : **انا عبدالله واخو رسول الله وانا الصديق الاكبر، لايقولها بعدى الاكاذب مفترى و لقد صلمت مع رسول الله قبل الناس بسبع سنين وانا اول من صلى معه (۱) :** من بنده خدا و برادر پیامبر و صدیق بزرگم، این سخن را پس از من جز دروغگوی افتراء - سازی نمی‌گوید من بارسول خدا هفت سال پیش از مردم ، نماز گزارده‌ام .

امام در یکی از سخنان خود می‌فرماید : در آن روز اسلام جز به خانه پیامبر و خدیجه راه نیافته بود و من سومین شخص این خانواده بودم (۲) امام برای مرتبه سوم سبقت خود را به اسلام چنین بیان کرده و می‌گوید : **اللهم انى اول من انا ب وسمع واجاب (۳)** خدایا ! من نخستین کسی هستم که به سوی تو بازگشت ، پیام تو را شنید ، و به دعوت پیامبر تو پاسخ گفتم .

سرگذشت عقیف کندی

عقیف کندی می‌گوید : در یکی از روزها برای خرید لباس و عطر وارد مکه شدم و در مسجد الحرام در کنار «عباس بن عبدالمطلب» (یکی از بازگانان

مکه بود) نشستم ، چیزی نگذشت موقعی که خورشید به اوج بلندی رسید ، ناگهان دیدم مردی آمد ، و نگاهی به آسمان کرد ؛ و سپس روبه کعبه ایستاد چیزی نگذشت نوجوانی به وی ملحق گردید ، و در سمت راست او ایستاد سپس زنی وارد مسجد شد و در پشت سر هر دو نفر قرار گرفت ، و هر سه نفر با هم مشغول عبادت و نماز شدند من از دیدن این منظره که در دل بیت پرستان ، سه نفر حساب خود را از جامعه خویش ، جدا ساخته اند ، و خدائی جز خدای ملت مکه رامی‌پرستند ، در شگفت ماندم روبه عباس کردم و گفتم «**امر عظیم**» او نیز همین جمله را تکرار کرد و سپس افزود و گفت : آیا این سه نفر را می‌شناسی ؟ گفتم نه ، گفت نخستین فردی که وارد شد و جلوتر از هر دو نفر ایستاد ، برادر زاده من محمد بن عبدالله ، و دومین فرد ، برادرزاده دیگر من علی بن ابی طالب و سومین شخص همسر محمد است و او مدعی است که آئین وی از طرف خداوند برای او نازل شده است و اکنون زیر آسمان خدا کسی از این دین ، جز این سه نفر پیروی نمی‌کند (۴)

* * *

در اینجا ممکن است از طرف برخی از خوانندگان گرامی سؤال مطرح گردد و آن اینکه : هرگاه علی

(۱) تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۱۳ سنن ابن ماجه ج ۱ ص ۵۷

(۲) نهج البلاغه خطبه ۱۸۷ چاپ عبده

(۳) نهج البلاغه خطبه ۱۲۷ ، چاپ عبده

(۴) والله ما علی الارض كلها احد علی هذا الدین غیر هؤلاء الثلاثة - تاریخ طبری ج ۲ ص ۲۱۲ کامل

این اثر ج ۲ ص ۲۲ استیعاب ج ۳ ص ۳۳۰ و ...

است که در درون شخص جایگزین بوده است، و هرگز مقصود از آن تحصیل و به دست آوردن وجود ابتدائی ایمان، نیست زیرا پیامبر اسلام پیش از نزول این آیه، و پیش از بعثت، یک فرد موحد و همواره تسلیم درگاه خدا بوده است.

بنابراین باید گفت: ایمان دومعنی دارد ۱ - اظهار ایمان درونی که قبلا در روح و روان شخص جایگزین بود و مقصود از ایمان آوردن علی‌رودوم بعثت همین است و بس ۲ - تحصیل ایمان و گرایش ابتدائی به اسلام، و ایمان بسیاری از صحابه و یاران پیامبر از این قبیل بوده است.

مناظره مأمون با اسحاق

مأمون در دوران خلافت خود روی مصالح سیاسی ویا از روی عقیده، به تشیع و برتری علمی، تظاهر می‌کرد روزی در یک انجمن علمی که چهل تن از دانشمندان عصر خود را از آن جمله «اسحاق» در آنجا گرد آورده بود، زبان به سخن گشود و چنین گفت:

مأمون - روزی که رسول خدا، مبعوث به رسالت گردید، بهترین عمل چه بود؟

اسحاق - ایمان به خدا و رسالت پیامبر او

- آیا سبقت به اسلام، در عداد بهترین عمل نبود؟

- چرا، در قرآن مجید می‌خوانیم: **«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»** و مقصود از سبقت

نخستین کسی است که پس از بعثت پیامبر اسلام؛ ایمان آورده در این صورت وضع علی‌پیش از بعثت چگونه بوده است؟ ۱

پاسخ این سؤال با توجه به نکته‌ای که در آغاز مقاله بیان گردید روشن است، و آن اینکه مقصود از ایمان در این فصل، همان ابراز ایمان دیرینه است که پیش از بعثت، کانون وجود او از آن لبریز بود، و لحظه‌ای از آن جدا نشده بود و بر اثر مراقبتهای پی‌گیر، و ممتد وی، ریشه‌های ایمان به خدای یگانه در اعماق روح و روان او جای گرفته و وجود او سراپا ایمان و اخلاص بود.

از آنجا که پیامبر تا آن روز به مقام رسالت نرسیده بود، لازم بود پس از ارتقاء رسول خدا به مقام نبوت، پیوند خود را با رسول خدا محکم‌تر و استوارتر سازد و ایمان دیرینه خود را به ضمیمه پذیرش رسالت وی، ابراز و اظهار نماید.

در قرآن مجید ایمان و اسلام به معنی اظهار عقیده دیرینه، زیاد به کار رفته است مثلا آنجا که خداوند به ابراهیم دستور می‌دهد که اسلام بیاور و نیز می‌گوید: برای پروردگارت دوجهان، تسلیم هستم (۱)

در قرآن درباره پیامبر اسلام چنین می‌خوانیم: **«وَأَمْرٌ أَنْ اسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»** (سوره مؤمن آیه ۶۶): به من امر شده است در برابر خداوند تسلیم گردم، به طور مسلم مقصود از اسلام در این مورد و مشابه آنها، اظهار تسلیم و ابراز ایمانی

۱ - اذ قال له اسلم قال اسلمت لرب العالمین (سوره بقره آیه ۱۳۱): بیاد آر هنگامی را که خداوند به ابراهیم گفت اسلام بیاور و او گفت: من در برابر خداوند دوجهان تسلیم هستم.

کرد، قطعاً باید گفت دعوت علی به اسلام از جانب پیامبر، به فرمان خدا بوده است آیا خدای حکیم دستور می‌دهد که پیامبر کودک غیر مستعد که ایمان و عدم ایمان او یکسان می‌باشد، به آئین اسلام دعوت کند؟ در این صورت باید گفت شعور و درک امام در دوران کودکی به اندازه‌ای بود که ایمان‌وی با ایمان بزرگسالان برابری می‌کرده است (۱)

پاسخ دیگر : جاداشت مأمون در این باره پاسخ دیگری نیز بگوید این پاسخ مربوط به کسانی است که در بخشهای ولایت و مباحث مربوط به امام - شناسی، اطلاعات گسترده‌ای داشته باشند و خلاصه آن این است : هرگز نباید به اولیاء خداوند اندازیده یک فرد عادی نگریست دوران صباوت آنان را بسان دوران کودکی دیگران دانست و هر دورا در این سن و سال از نظر درک و فهم یکسان و یکنواخت گرفت .

در میان پیامبران پیشین، کسانی بودند که در دوران کودکی به عالیترین درجه از فهم و کمال و درک حقایق رسیده بودند و در همان ایام صباوت شایستگی داشتند که خداوند سخنان حکیمانه و معارف الهی را به آنان پیام‌زده آنجا که درباره حضرت یحیی (ع) چنین می‌خوانیم : **«یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیا»** (مریم - ۱۲) یحیی ا کتاب را با کمال قدرت و محکمی (کتابه از عمل به تمام محتویات آن) بگیر و مابه او در دوران کودکی

در آیه همان پیشقدمی در پذیرش اسلام است .

۱- آیا کسی بر علی در پذیرش اسلام سبقت جسته است؟ یا اینکه علی نخستین کسی است که از مردان به پیامبر ایمان آورده است .

علی نخستین فردی است که به پیامبر ایمان آورد، اما روزی که او ایمان آورد کودکی بیش نبود و نمی‌توان برای چنین اسلامی ارزشی قائل شد اما ابی بکر اگر چه بعدها ایمان آورد، ولی روزی که به صف خداپرستان پیوست ، يك فرد کاملی بود ، که ایمان و اعتقاد او در آن سن و سال ، ارزش دیگری داشت .

۲- بگوئیم؛ علی زوی چه اصل ایمان آورد، آیا پیامبر او را به اسلام دعوت کرد، یا اینکه از طرف خدا به او الهام شد ، که آئین توحید و روش اسلام را پذیرد ، هرگز نمی‌توان گفت اسلام علی از طریق الهام از جانب خدا بوده است زیرا لازم این فرض این است که ایمان وی، بر ایمان پیامبر، برتری داشته باشد زیرا گرایش پیامبر به اسلام ، به وسیله جبرئیل و راهنمایی وی بوده نه اینکه از جانب خدا به وی الهام شده باشد .

در این صورت که ایمان علی در پر تودعوت پیامبر بوده آیا پیامبر، از پیش خود این کار را انجام داد یا به دستور خدا بوده است هرگز نمی‌توان گفت که پیامبر علی را بدون دستور خدا به اسلام دعوت

۱ - عقد الفرید ج ۳ ص ۴۳؛ پس از «اسحاق» : «جاحظ» در کتاب «العثمانية» این اشکال را تعقیب کرده، و ابو جعفر اسکافی در کتاب «نقض العثمانية» به طور گسترده پیرامون اشکال به بحث و پاسخ پرداخته است و تمام گفتگوها را ابن ابی الحدید در ج ۱۳ ص ۲۱۸ - ۲۹۵ آورده است .

حکمت دادیم .

برخی می گویند مقصود از حکمت در این آیه «نبوت» است ، و برخی دیگر احتمال می دهند که مقصود از آن معارف حق الهی است ، (در هر صورت) مفاد آیه حاکی است که اولیا و پیامبران الهی بایک رشته استعداد های خاص و قابلیت های مخصوصی ، آفریده می شوند و حساب دوران کودکی آنان با کودکان دیگر جدا است .
حضرت مسیح در نخستین روز های تولد خود ،

به امر الهی زبان به سخن گشود و گفت : من بنده خدا هستم دارای کتابم ، و از پیامبران الهی می باشم (۱) در حالات پیشوایان معصوم ، می خوانیم که آنان در دوران کودکی پیچیده ترین مسائل عقلی و فلسفی و فقهی را پاسخ می گفتند (۲) و همگی حاکی از آن است که نباید کار نیکان را با کار خود قیاس کنیم ، و نباید پایه درک و فهم کودکان خود را برای دوران کودکی پیامبران و پیشوایان الهی ، مقیاس قرار دهیم (۳)

پس از ۴۰ سال اسلام آورد

شهرضا - مردی پس از ۴۰ سال فریب از فرقه ضاله با دوفزندش اسلام آورد . روح الله دادگر فرزند ظغان اهل کتافلارد با دوفزندش بنام های یدالله و فرج الله با ادای جمله شهادتین بدین مبین اسلام تشریف پیدا کرد . همسر این مرد بنام نوش آفرین که اوهم درگمراهی بسر می برد ، از این امر سخت ناراحت شد و به خانه پدرش رفت . روح الله در این مورد گفت : اگر نوش آفرین هم مسلمان شود ، به زندگی با او ادامه خواهم داد و در غیر این صورت او را طلاق می دهم و همسری مسلمان برای خود اختیار می کنم «جرائد»

۱ - قالانی عبدالله آتانی الکتاب وجعلنی نبیا ... سوره مریم آیه - ۱۳

۲ - سؤالهای پیچیده ای که ابوحنیفه از حضرت کاظم (ع) و یحیی بن اکثم از حضرت جواد (ع) کردند و پاسخهای متنی که شنیدند ، در کتابهای حدیث و تاریخ ضبط شده است .

۳ - امیر مؤمنان می فرماید : لایقاس بآل محمد (ص) من هذه الامة احد ، نهج البلاغه خطبه دوم : هیچ فردی از افراد این امت با فرزندان و خاندان پیامبر اسلام برابری نمی کند .